پرونده

تعامل با ایران از موضع برابر

علی ماجدی*

● ضرورت دارد جو بایدن، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا در اولین گام خود به بازسازی حیثیت آمریکا که در دوران ترامپ و نیز در فرایند انتخابات اخیر کاملا خدشه‌دار شده، همت گمارد. نظیر خروج آمریکا از پیمان‌های دوجانبه با روسیه، چندجانبه نظیر برجام و جهانی مثل تغییرات آب و هوا، سازمان بهداشت جهانی و یونسکو. پیروی‌نکردن از چنین رویکردی را نمی‌توان چیزی به‌جز خدشه‌دارکردن حیثیت آمریکا دانست، علاوه بر آن رفتار و گفتار عجیب‌وغریب سلف آقای بایدن در سال‌های کارش همچنین در دوران انتخابات ریاست‌جمهوری و روزهای اخیر. مهم‌ترین نکته قابل‌تأمل و تعمق این است که هیچ قدرتی در جهان امروز به‌علت درهم‌تنیدگی جهان به تنهایی قادر نیست سازوکار بین‌المللی دنیا را تغییر دهد، ادامه سازوکارهای جهانی بدون توجه به سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایی آمریکا درس مهمی است که این ابرقدرت در این دوران استثنائی باید گرفته باشد و پرهیز از یک‌جانبه‌گرایی را با توجه به دوران ترامپ باید همواره به خود یادآوری کند و شکست‌های پی‌درپی در زمینه‌های سیاست‌های بین‌المللی را که بدان اشاره شد، به‌عنوان تجربه‌ای تلخ با تغییرات سریع جبران کند. ماندگاری در سپهر ملی به‌ویژه جهانی، به رفتارهای انسانی بسیار والایی از سوی رؤسای کشورها نیاز دارد؛ نظیر نلسون ماندلا نه رفتارهای خودشیفته‌گونه آقای ترامپ. در مورد ایران، بازگشت به برجام و پایبندی کامل به آن و مذاکره و تعامل با ایران از موضع برابر و با احترام متقابل به نفع هر دو کشور و ملت است. بایدن می‌تواند با رفتار و منش صحیح و سنجیده خود دشمنی بیش از ۴۰ساله ایران و آمریکا را خاتمه دهد و نامی نیکو در روابط بین دو کشور بر جا گذارد.

*سفیر پیشین ایران در ژاپن و آلمان

استقلال کشورها را به رسمیت بشناسید

صادق ملکی*

● مشخص‌شدن نتایج انتخابات آمریکا می‌تواند زمینه‌ساز برخی تغییرات سیاست‌های آمریکا به شکل تاکتیکی باشد، به‌هرحال برای جمهوری اسلامی ایران تنفسی ایجاد خواهد کرد.

با یک‌دوره‌ای‌شدن ریاست ترامپ قبل از همه، مردم آمریکا این پیام را به جامعه جهانی دادند که مخالف سیاست‌های ترامپ هستند. بدیهی است در کنار جامعه جهانی که به استقبال این تغییر رفت ما نیز از انتخاب مردم آمریکا استقبال می‌کنیم.

۲- احترام متقابل و قائل‌بودن به حق استقلال کشورها مهم‌ترین توقع ماست.

۳- رئیس‌جمهور جدید آمریکا قبل از همه باید اشتباهات ترامپ در ارتباط با مسائل جهانی به‌ویژه در ارتباط با ایران را اصلاح کرده و با بازگشت به پیمان‌های بین‌المللی نشان دهد که سیاست‌های این کشور با رفتن ترامپ تغییر می‌یابد.

در میدان سیاست، درک موقعیت خود بخشی از موفقیت است. با توجه به این تغییر به‌نظر می‌رسد می‌توان پیامی از طرف وزیر خارجه یا رئیس‌جمهور به شکل توییت یا مصاحبه مبنی بر استقبال از این تغییر ارسال کرد که این خود می‌تواند در عمق خود پیام تغییر از جانب ما نیز باشد.

*دیپلمات باسابقه در حوزه ترکیه و قفقاز

به صلح افغانستان بپردازید

محسن روحی‌صفت*

● به نظر می‌رسد سیاست بایدن در خاورمیانه همان سیاست اوباما باشد که تحت عنوان سیاست تعادل استراتژیک یاد می‌شد.

در این سیاست ایران، به‌عنوان بخشی از قدرت منطقه‌ای به همراه چند کشور دیگر با نوعی توازن، ثبات را در منطقه برقرار می‌کند.

انتظار می‌رود بحران افغانستان با حضور ایران و همکاری دیگر کشورهای منطقه و محوریت دولت کابل، زیر چتر سازمان ملل متحد با حضور همه بازیگران داخلی آن کشور صلح و آرامش برای مردم آن کشور به ارمغان آورد.

اجماع داخلی و منطقه‌ای با حمایت قدرت‌ها در چارچوب سازمان ملل متحد رویکردی منطقی و متوازن برای برآورده‌شدن آرزوی مردم افغانستان و منطقه برای صلح و ثبات است.

* دیپلمات باسابقه در حوزه آسیای غربی

پیشنهاد کارشناسان روابط بین‌الملل به جو بایدن درباره رفتار با ایران

پیام به ساکن جدید کاخ سفید

زینب اسماعیلی‌سیویری . روح‌اله نخعی

این سؤال همیشه در ذهن مردم ایران در نوسان است: کدام به نفع ماست؛ رئیس‌جمهور دموکرات یا جمهوری‌خواه در آمریکا روی کار باشد و این روزها این سؤال به شکل جدیدی رخ نموده است؛ آیا بایدن متفاوت از ترامپ با ایران رفتار می‌کند یا واقعا آن‌گونه است که برخی رسانه‌ها تمایل دارند نشان دهند «سگ زرد برادر شغال است». برای ارزیابی و قضاوت در این زمینه که بایدن در برابر ایران چه رفتاری خواهد داشت، بسیار بسیار زود است و البته تشکیک دونالد ترامپ درباره نتیجه انتخابات موجب شده تا هنوز نتوان قطعی سخن گفت. یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌ها در حوزه روابط بین‌الملل است که کشوری در موضع انفعال قرار گیرد و دیگران درباره او استراتژی تعیین کنند. رابطه چهاردهه‌ای پرتنش ایران و ایالات متحده آمریکا حتما یک طرف دارد که بیشترین آسیب را دیده است؛ مردم ایران که از تحریم‌ها و مشکلات متعددی رنج می‌برند، برای دسترسی به دارو و غذا با مشکل مواجه‌اند و اقتصاد کشور با تکانه‌های جهانی افت‌وخیز پیدا می‌کند و یک‌شبه سرمایه‌هایی بر باد می‌رود و یک‌شبه بسیاری سوار آسانسور، از طبقات پایین اقتصادی به طبقات بالای اقتصادی جامعه اوج می‌گیرند. از هفته گذشته که هنوز نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری نهایی نشده بود، از تعدادی کارشناسان روابط بین‌الملل و کسانی که چهره‌های نام‌آشنایی برای مخاطبان «شرق» هستند، خواستیم به‌عنوان یک کارشناس ایرانی برای ما بنویسند که به رئیس‌جمهور جدید آمریکا می‌گویند که در مواجهه با ایران چه کند؟ کدام رفتار را تکرار نکند و چه چیزی را درباره ایران در دستور کار قرار دهد که می‌تواند پیامی از ایران باشد به ساکن جدید کاخ سفید. شاید بد نباشد یادآوری کنم که ما نه وطن‌فروشیم و نه معاند؛ ما فقط و فقط دنبال این هستیم که ایران، در روابط بین‌الملل کنشگر باشد.

حسن‌نیت، حسن‌نیت می‌آفریند!

رضا نصری
حقوق‌دان بین‌الملل

به‌عنوان یک ناظر روابط ایران و آمریکا در چند سال اخیر، از آقای بایدن چند انتظار دارم:

۱) اول اینکه در «عمل» به ایران و دنیا نشان دهد میان دوران او و دوران ترامپ یک تفاوت ماهوی و واقعی وجود دارد. یعنی قانون‌شکنی، یک‌جانبه‌گرایی و رفتارهای نامتعارف را کنار بگذارد و با «حُسن نیت» و تبعیت از حقوق بین‌الملل وارد عرصه سیاست خارجی شود. برای نشان‌دادن این تفاوت او باید این برگ سیاه از سیاه‌ترین فصل برای تعاملات بین‌المللی و چندجانبه‌گرایی را ورق بزند؛ اما برای ورق‌زدن نیز باید ابتدا مشت گره‌کرده آمریکا را باز کند!

۲) دوم اینکه آقای بایدن نگرش و سیاست خود در قبال ایران را مطابق توصیه‌ها و فشارهای جریان‌های تندرو و لابی‌های خاص منطقه شکل ندهد! سال‌هاست دولت‌های آمریکا بر همین اساس در مورد ایران سیاست‌گذاری می‌کنند و سال‌هاست که پی‌درپی شکست می‌خورند! نهایتِ این توصیه‌ها اتخاذ «سیاست فشار حداکثری» بود که جز تشدید تنش، بدنامی و شکست در تمام اهداف آمریکا هیچ نتیجه‌ای درپی نداشت! پس بدانند که آزموده را آزمودن خطاست و لازم است با نگرش متفاوتی پا به میدان بگذارد. لازم است آقای بایدن به ماهیت ضدبشری و جنایتکارانه «سیاست فشار حداکثری» پی ببرد و برخلاف توصیه لابی‌های جنگ‌طلب به آثار و تبعات انسانی این سیاست جنایتکارانه به‌مثابه «اهرم مذاکراتی» نگاه نکند!

۳) سوم اینکه از دنیای «پساترامپ» و «پساکرونا» درس بگیرد و به عصر جدید به‌عنوان یک «فرصت» برای اتخاذ «چندجانبه‌گرایی واقعی» نگاه کند. یعنی اینکه متوجه شود «چندجانبه‌گرایی» به معنی «ائتلاف‌سازی» علیه یک دولت یا یک ملت دیگر و سوءاستفاده از سازوکارهای بین‌المللی برای اعمال فشارهای ناعادلانه به آنها نیست! در دنیای به‌هم‌پیوسته امروز که سلامت و امنیت همه انسان‌ها به هم پیوند خورده است، چندجانبه‌گرایی یعنی شناسایی معضلات و چالش‌های بشری و استفاده از سازوکارهای بین‌المللی برای حل‌وفصل آنها!

۴) چهارم اینکه بداند ایران به «احترام» و «حسن‌نیت» پاسخ مثبت می‌دهد و در برابر «فشار» و «تهدید» واکنش منفی نشان خواهد داد. به قول سلف ایشان «حسن‌نیت، حسن‌نیت می‌آفریند!».

۵) پنجم اینکه آقای بایدن با واقع‌بینی، حسن‌نیت و به‌دور از جوسازی لابی‌های خاص به پیشنهادهای عملی ایران برای حل‌وفصل مسائل منطقه و فی‌مابین توجه کند. ایران پیشنهادهای بسیار خوب و سازنده‌ای مانند «طرح صلح هرمز» روی میز قرار داده است. طرح‌ها و پیشنهادهای ایران موضوعات اساسی مانند تروریسم، امنیت جمعی منطقه، آزادی کشتی‌رانی، مسابقه تسلیحاتی و عدم اشاعه را در بر می‌گیرد. آقای بایدن می‌تواند از مذاکرات منطقه‌ای با محوریت «طرح صلح هرمز» استقبال کند و به جای تجهیز نظامی کشورهای حاشیه خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی آنها را به گفت‌وگو با ایران سوق دهد.

وقت عمل

امیرعلی ابوالفتح
کارشناس مسائل آمریکا

در ساختمان زیبای خانه مشروطه در شهر تبریز، در کنار قهرمانان انقلاب مشروطیت ایران، مجسمه‌ای قرار دارد که یادآور دوستی‌های گذشته میان ایران و آمریکا است؛ مجسمه جوان آمریکایی به نام هوارد باسکرویل.

۱۱۰ سال پیش، زمانی که مبارزات ملت ایران علیه استبداد به اوج رسیده بود، باسکرویل جوان در کنار ایرانیان ایستاد تا به حفظ و پاسداشت آزادی و عدالت کمک کند. باسکرویل در این راه جان داد و ملت ایران به پاس این فداکاری، او را «شهید» نامیدند.

پس از شهادت باسکرویل، دوستی دو ملت برای حدود نیم‌قرن ادامه یافت تا اینکه در یک بزنگاه تاریخی، دولت وقت آمریکا در خطایی راهبردی، با کودتا علیه دولت قانونی ایران به ریاست محمد مصدق، سنگ بنای دشمنی میان ایران و آمریکا را بنا گذاشتند. از آن زمان حدود ۷۰ سال می‌گذرد و روابط میان ایران و آمریکا شاهد فرازوفرودهای فراوانی بوده است. بااین‌حال شاید چهار سال گذشته را بتوان وخیم‌ترین دوران در روابط دو کشور قلمداد کرد.

اکنون با تغییر دولت در ایالات متحده، این احتمال قوت گرفته است که دولت جدید، مسیر طی‌شده در گذشته را تصحیح کند و چشم‌اندازی از تفاهم در آینده را به وجود بیاورد.

ملت ایران پنج سال پیش و در پی سال‌ها مذاکره، زمینه مفاهمه را از طریق پذیرش مفاد توافق هسته‌ای فراهم کرد و به امید رفع سوءتفاهمات و نگرانی‌های طرف مقابل، محدودیت‌هایی را در راه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای خود به اجرا گذاشت.بااین‌حال دولت وقت آمریکا به‌طور یکجانبه از توافق هسته‌ای خارج و گسترده‌ترین جنگ اقتصادی را علیه مردم ایران آغاز کرد. اقدام نسنجیده دولت وقت آمریکا در ترور یک فرمانده ایرانی - سردار قاسم سلیمانی - ایران و آمریکا را تا یک‌قدمی ورود به جنگ نظامی تمام‌عیار پیش برد؛ جنگی که اگر رخ می‌داد، آتش آن سرتاسر منطقه حساس غرب آسیا را در بر می‌گرفت.شاید نتوان دوران دوستی دو ملت ایران و آمریکا در گذشته را تکرار کرد؛ اما می‌شود از تشدید دشمنی‌ها در آینده جلوگیری کرد، اگر احترام متقابل و مسئولیت‌پذیری در روابط دو کشور برقرار شود.

اکنون نوبت دولت جدید آمریکا است که نشان دهد مسیر تخاصم و دشمنی را در پیش خواهد گرفت یا در مسیری گام برمی‌دارد که به کاهش بی‌اعتمادی میان طرفین منجر شود.

تردیدی نیست که تغییر در فضای دشمنی میان ایران و آمریکا، فقط به عزم و اراده آمریکایی‌ها بستگی ندارد و باید اقدامی متقابل از سوی ایرانیان نیز باشد. بااین‌حال ایران همواره اعلام کرده است که آمریکا با بازگشت به توافق هسته‌ای ۲۰۱۵، می‌تواند به بازسازی روندی کمک کند که در انتهای آن، تنش‌زدایی یا مدیریت تنش‌ها باشد.

اکنون وقت عمل است. می‌توان از فضای «مقاومت حداکثری» ایرانیان در برابر «فشار حداکثری» آمریکایی‌ها به حسن نیت ایرانیان در برابر حسن نیت آمریکایی‌ها رسید.

دیپلماسی «نوین منطقه‌ای» پیش‌روی ماست

ابوالقاسم دلفی
سفیر سابق ایران در فرانسه

بعد از فروکش‌کردن اولیه تب داغ روزهای پس از اعلام «دوفاکتو» رئیس‌جمهور جدید آمریکا که شاید هنوز هم ریاست‌جمهوری‌اش اماواگرهایی دارد، نگاه‌کردن به وضعیت فعلی با تازگی‌ها و ملاحظاتی روبه‌روست که با تصورات اولیه فاصله و زوایایی دارد.

حسب ظاهر سومین کاندیداتوری آقای جو بایدن برای ریاست‌جمهوری در آمریکا به نتیجه دلخواه او و حزب دموکرات آمریکا منجر شده و ایشان با ۷۸ سال سن، به‌عنوان مسن‌ترین رئیس‌جمهور طول تاریخ آمریکا اگر شرایط بر وفق مراد پیش برود، در بیستم ژانویه تحت لوای چهل‌وششمین رئیس‌جمهور آمریکا قصد ورود به کاخ سفید را خواهد داشت. به نظر می‌رسد علاوه بر کووید۱۹ و اقتصاد بی‌سروسامان آمریکا، مهم‌ترین موضوعی که آقای بایدن در اولین قدم در دوران چهارساله اقامتش در کاخ سفید در دستور کار خواهد داشت، آشتی‌دادن مردم آمریکای کاملا دوقطبی‌شده و علیه یکدیگر مانند اجداد کابوی خود اسلحه‌کشیده، است. آقای بایدن در این مأموریت «ناکجاآبادی» به دنبال وحدت و یکپارچگی آمریکایی باید برود که در دوران چهارساله ویرانگری ترامپ در مدیریت داخلی و بین‌المللی خود، میراثی غیر از ستیز، نفرت و خصومت‌طلبی برای رسیدن به سراب «آمریکا در درجه اول» تحت راهبرد در دستور کار «بسازوبفروش» سابق بازار سیاه مسکن آمریکا به جا نگذاشته است. ترامپ با هر وضعیتی با انتخابات و نتیجه آن برخورد کند، با بیش از ۷۰ میلیون رأی آمریکایی‌ها، پدیده، عنصر و نیروی بالقوه‌ای است که با شخصیت کاریزمای خود در مقابل هرگونه راهبردی که مدنظرش نباشد، ممکن است مشکل‌تراشی کند؛ بنابراین آمریکای آینده برای تعامل با این نیروی بالقوه باید تعامل و شرایطی را تدارک ببیند که معلوم نیست بایدن و حزب دموکرات در اختیار داشته باشند. در آنچه ما باید در آن بازیگر اصلی باشیم، دست‌زدن بایدن به پرونده چالشی و پرابهام روابط با ایران در صحنه سیاسی داخلی آمریکا پس از انتخابات خواهد بود که محاسبه حساسیت و ظرفیت‌های ترامپ و نیرویی که رئیس‌جمهور سابق در چهار سال ریاست‌جمهوری پرفرازونشیب خود صرف به انجام رساندن آن کرد، قرار دارد که معلوم نیست ابزار و شیوه‌های اعلام‌شده بایدن و حزب دموکرات، بتواند جواب‌گوی همه‌گونه چالش و هم‌زمان مهارکننده آنها باشد. در شرایط حاضر که در جناح دموکرات‌ها بیش از هر عنصری نیاز به وحدت احساس می‌شود و زعمای دموکرات بر ضرورت تحقق آن در مجموعه حزب اذعان دارند، در حزب جمهوری‌خواه ابدا شرایط مساعدی برای تحقق وحدت و یکپارچگی حزب بعد از شکست انتخاباتی، قابل تصور و تحقق نیست که رفتن به سمت آن نیز جنجال‌آفرین است. اولین بیانیه ترامپ پس از اعلام نتایج و تأکید بر تقلب در انتخابات، سازهای مخالف و ناهماهنگ در حزب جمهوری‌خواه را از سوی برخی از سران صاحب‌نفوذ آن به صدا درآورد. درعین‌حال ترامپ با وجود شرایط و وضعیتی که این روزها در آمریکا و حزب جمهوری‌خواه حاکم است، برای دویست‌ونودونهمین بار، در دوران ریاست‌جمهوری‌اش شنبه گذشته به زمین گلف شخصی‌اش در ویرجینیا رفت تا عادت همیشگی‌اش ترک نشود. «ترامپیسم و فیک‌نیوز» به‌عنوان پدیده‌ای که در چهار سال گذشته جامعه آمریکا را شدیدا دوقطبی و مبتنی بر تحولات هدایت‌شده از کاخ سفید و شخص ترامپ، متأثر کرده است، ماجرایی است که در جامعه آمریکا هرگز تا به این حد در دوران انتخابات رخ نداده بود و شاید از این به بعد باید شاهد وجود دو کشور در ایالات متحده باشیم که به موازات هم به وجود آمده و مردمانی که می‌خواهند در آن زندگی کنند، دارای سیستم‌های ارزشی به‌شدت نامنطبق بوده و در همه سطوح، قشرها و طبقات نژادی، اقتصادی و سیاسی جامعه آمریکا قابل رؤیت است. ترامپ و سیستم اطلاعاتی تحت نظر او، علاوه بر فشارهایی که در سال‌های گذشته علیه جمهوری اسلامی ایران روا داشته بود، در کوران انتخابات اتهام بزرگ و دیگری را نیز به آن اضافه کرد و ادعا کرد که ایران به همراه چین در انتخابات آمریکا دخالت می‌کنند. با توجه به اینکه سازمان اطلاعاتی آمریکا به‌عنوان دستگاه ناظر و مورد قبول جامعه آمریکا این ادعا را مطرح کرده بود، بایدن نیز در اظهارنظری خاطرنشان کرد که اگر این موضوع ثابت شود، حتما با آن برخورد خواهد شد؛ بنابراین ترامپ برای فردای روابط ایران و آمریکا و مانع‌تراشی‌ها و تداوم مشکل‌سازی برای ایران زمینه‌سازی‌هایی را نیز تدارک دیده است. در ماه اکتبر گذشته سازمان اطلاعات آمریکا اعلام کرد که به شبکه‌ای از اطلاعات نادرست و رعب‌آور دسترسی پیدا کرده است که از سوی ایران هدایت می‌شود و هدفش حمایت از جو بایدن دموکرات است. از طرفی مواضع دو کشور روسیه و چین به‌عنوان کشورهای عضو گروه ۵+۱ در مذاکرات برجام و دارای مواضعی تقریبا نزدیک به جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات هسته‌ای درباره بایدن نیز حائز اهمیت است. روس‌ها که به ادعای پاره‌ای از رسانه‌ها در سال ۲۰۱۶ در انتخابات آمریکا به نفع ترامپ دخالت‌هایی داشته‌اند، پس از فعل‌وانفعالات اخیر در صحنه انتخابات آمریکا از زبان ماریا زاخاروا، سخنگوی وزارت خارجه روسیه، نقض آشکار سیستم انتخاباتی آمریکا را به چالش کشیده و اظهار امیدواری کردند که مکانیسم قضائی فعلی آمریکا امکان تعیین قطعی رئیس‌جمهور آینده آمریکا در انطباق کامل با قانون اساسی ایالات متحده را برای جلوگیری از شورش‌های مردمی در این کشور فراهم کند. همچنین ویاچسلاو نیکونوف از دومای روسیه از سخنگوی وزارت خارجه کشورش هم جلوتر رفته و اظهار کرده است که نتیجه انتخابات آمریکا بدترین امکان را برای ایالات متحده به همراه داشته است؛ زیرا فارغ از اینکه هرکسی برنده مبارزه قضائی باشد، نیمی از آمریکایی‌ها او را رئیس‌جمهور خود تلقی نمی‌کنند. از سوی دیگر پکن که تاکنون رسما موضع‌گیری در قبال انتخابات آمریکا نداشته است، علائمی را بروز می‌دهد که نشان از شادمانی برای پیروزی بایدن است. سردبیر روزنامه گلوبال تایمز که نزدیک به دولت است، در توییت بی‌نام خود نوشته است که اگر بایدن انتخاب شود، مطمئن هستم که روابط بین ایالات متحده و چین عادی خواهد شد. باید توجه داشت که توییتر در چین ممنوع است و سردبیر یادشده در پست انگلیسی مطالب خود را درج کرده است. اگرچه شرایط پکن با درنظرگرفتن وضعیتی که ترامپ برای روابط ایالات متحده و چین به وجود آورده و می‌تواند تشابهی با روابط با جمهوری اسلامی ایران داشته باشد، نمی‌تواند انتظار چرخش شدید از سوی دموکرات‌ها در روابطش را داشته باشد؛ اما امیدوار است بایدن حداقل با اتخاذ روحیه آشتی‌جویانه به سمت پکن بتواند خطر بروز حادثه بزرگ بین دو اَبَرقدرت را کاهش دهد. موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال آمریکا همان‌گونه که رهبری معظم در سخنرانی اخیر خود بر آن تأکید داشتند، روشن و آشکار است. جو بایدن رئیس‌جمهور آتی ایالات متحده و معاون آقای اوباما در دورانی که سخت‌ترین و پیچیده‌ترین تحریم‌های آمریکایی علیه ایران طراحی و به اجرا درمی‌آمد، از نزدیک شاهد و ناظر بر اجرای این تحریم‌ها بوده است و به‌خوبی می‌داند که ترامپ تنها مجری ساختمان عظیم ساخته‌شده از تحریم از سوی دموکرات‌ها علیه ایران بوده است؛ پس مسئولیت رئیس‌جمهور آینده آمریکا در برخورد با تحریم و چگونگی مهار آن موضوعی است که در رفتارشناسی بایدن باید مورد توجه قرار گیرد. آقای بایدن در جریان مبارزات انتخاباتی به‌صراحت اعلام کرد که به برجام در شرایطی بازخواهد گشت و این ادعای رئیس‌جمهور آینده آمریکا مورد استقبال اروپایی‌ها و سایر اعضای برجام نیز قرار گرفته است. نکته اساسی در این بحث‌ها، اساس و اصول بازگشت آمریکا به برجام و تعهدات و الزامات ناشی از امضای موافقت‌نامه بین‌المللی تحت قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد است که باید مورد توجه دولت آینده آمریکا قرار گیرد؛ پس آن‌چنان که در حواشی پاره‌ای از رسانه‌ها گفته می‌شود، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در برخورد با رئیس‌جمهور آینده آمریکا براساس مذاکره با آمریکا بنیان نهاده نشده است؛ بلکه قبول تعهدات بین‌المللی ایالات متحده در چارچوب موافقت‌نامه‌ای است که از طرف شورای امنیت سازمان ملل متحد مورد تأیید قرار گرفته است. رئیس‌جمهور آینده آمریکا برای بازگرداندن و اجرای مسئولیت‌های ایالات متحده ناچار خواهد بود به برجام بازگشته و تعهدات و مسئولیت‌هایش را به‌عنوان یک عضو مسئولیت‌پذیر در جامعه بین‌المللی انجام دهد و از قراردادن هرگونه شرط و پیش‌شرطی برای این مذاکرات اجتناب کند. آنچه مسئولیت دیپلماسی و راهبرد سیاست خارجی کشور در این دوران حساس اقتضا می‌کند، توجه به شرایطی است که در منطقه و فراتر از منطقه جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران پیش‌روی کشور قرار دارد. بسیاری از کشورهای منطقه در محاسبات خود انتخاب ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور بعدی آمریکا را به‌عنوان یک اصل پذیرفته‌شده نصب‌العین قرار داده و با سرمایه‌گذاری فراوان، تداوم خصومت‌های خود با جمهوری اسلامی ایران را در راستای تداوم فشارهای ترامپ بر ایران و انزوای جمهوری اسلامی ایران تصور می‌کردند. اولین موضع‌گیری نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی درباره بایدن هم بر همین نکته تأکید دارد؛ بنابراین باید توجه داشت آنچه را که در دوران مذاکرات برجام و پسابرجام در روابط منطقه‌ای ما شاید مورد غفلت قرار گرفته بود، مجددا رخ ندهد. شبهه‌زدایی و رفع ابهام از تصورات غلط و نابجای برخی همسایگان از مواضع صلح‌طلبانه و مبتنی بر اقتدار ناشی از صلح‌دوستی جمهوری اسلامی ایران باید یکی از اولویت‌های تأکیدشده این دوران باشد و نباید جوسازی و فقدان ارتباطات لازم منطقه‌ای، باعث شود آنان همچنان در سودای مقابله و لابی‌های پنهان و آشکار در منطقه و خارج از منطقه و به‌ویژه در آمریکا برای ایران‌هراسی و ایران‌گریزی ایجاد کنند. مسلما باید فصل جدیدی برای مناسبات دوجانبه منطقه‌ای تعریف کرد که مشخصات و تعاریف روشن از منافع ملی و خصوصیات روابط همسایگی در آن تبیین شده باشد و برای اجرای آن نیز چه بهتر که بتوان از چهره‌های آشنا برای منطقه و آشنا در مناسبات دوجانبه در دیپلماسی کشور، به کار گرفته شوند تا در فضایی مبتنی بر مساوات و حقوق همسایگی دست دوستی و همکاری را قبل از آنکه تغییر و تحولی در ساکنان کاخ سفید رخ دهد، دراز کنیم و شرایط را منوط به تحولات خارج از منطقه قرار ندهیم.

پرونده

سلیقه دموکرات‌ها به رایزنی و دیپلماسی است

حسن لاسجردی
کارشناس مسائل خاورمیانه

● در رابطه با نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، آنچه خیلی مهم است این است که خیلی‌ها تصور می‌کردند با توجه به قدرت اقتصادی ترامپ همچنین طرفداران ذی‌نفوذش و سیطره توییتری او با سلطه‌ای که او بر بسیاری بخش‌های کشور دارد، پیروز انتخابات باشد. اما اگرچه شمارش آرا تمام نشده ولی نتایج نشان می‌دهد که ترامپ بازنده شده است. نکته مهم و اساسی این دوره از انتخابات این است که نخبگان ایالات متحده، چه نخبگان در دانشگاه، چه نخبگان در رسانه‌ها و چه مراکز پژوهشی در مجموع، فضایی را فراهم کردند که به این نتیجه منجر شد و شاید نقش رسانه‌ها در این فضا بیش از همه باشد؛ چراکه ترامپ در دوران حاکمیتش ارتباط مناسبی با رسانه‌ها نداشت و تا جایی که توانست، منابع مختلف آگاهی‌بخشی در جامعه را با ادبیات خودش تحت فشار و چالش قرار داد.

اما در مورد آینده ایالات متحده به نظر می‌رسد که تغییر و تحولات در حوزه‌های مختلف آمریکا در سایه اقدامات بایدن قابل انتظار است. بایدن نشان داده یک سیاست‌مدار پخته است و تجربه معاونت ریاست‌جمهوری و پیش از آن سناتوری را داشته است و به‌طورکلی به نوعی نمایندگی مردم آمریکا را در سوابق سیاسی‌اش داشته است. همچنین به نظر می‌رسد که دارای دانش حقوقی است. در مجموع توقع جامعه آمریکا و همچنین جامعه جهانی از بایدن این است که رفتار معقول و مبتنی بر قواعد و اصول نظام بین‌الملل را در دوران مسئولیت خودش بروز دهد. در مرحله سوم نحوه حضور ایالات متحده در منطقه ما خیلی مهم است. به نظر می‌رسد که همیشه دموکرات‌ها به منطقه خاورمیانه توجه بیشتری داشته‌اند و ظهور و بروزشان پررنگ‌تر از جمهوری‌خواهان بوده است. علاقه‌مند هستند از طریق ارتباطات سیاسی، رایزنی‌ها و به نوعی بهره‌گیری از دانش دیپلماسی امورشان را پیش ببرند در نتیجه به طور حتم حضور و نقش‌آفرینی ایالات متحده در منطقه ما بیشتر خواهد شد. به‌طور مشخص در پرونده اسرائیل، همچنان دموکرات‌ها خودشان را متعهد به امنیت اسرائیل می‌دانند و لذا در موضوع اسرائیل حتما بازیگران منطقه باید به نگاه دموکرات‌ها در این زمینه توجه داشته باشند. اما این سبب نمی‌شود ایالات متحده در موضوع اسرائیل اصطلاحا تمام تخم‌مرغ‌هایش را در سبد تل‌آویو بریزد و همه جا از او حمایت کند. همچنان که در دوره‌های قبل هم دیده‌ایم که با وجود حمایت دموکرات‌ها از اسرائیل، آنها موضوع را از میانه راه یا به نوعی یک برابری بینابینی دیده‌اند و تلاش کرده‌اند از راه‌حلی استفاده کنند که بتواند بحث دو کشوری یا راه‌حل تأسیس دو کشور را پیگیری کند. به نظر می‌رسد در دوران بایدن این موضوع بتواند موضوع بحث جدی در فضای اسرائیل و فلسطین باشد. نکته دیگر مربوط به ایران است. آنچه مسلم است اینکه اصول سیاست خارجی ایالات متحده تقریبا مشخص و تعیین‌شده است اما سلیقه رئیس‌جمهور و تیم سیاست خارجی می‌تواند در بخش مهمی از اینها اعمال شود. سلیقه دموکرات‌ها بیشتر بر اساس بده‌بستان و به نوعی سیاست تماشا و انتظار است که بتوانند بازیگران مختلف را بیازمایند و از طریق رایزنی و دیپلماسی ارتباطات خودشان را معنادار کنند. در چنین فضایی به نظر می‌رسد که ایالات متحده در سایه حکومت بایدن به‌طور حتم به قدرت‌های منطقه‌ای، چه ایران، چه عربستان، چه ترکیه و حتی پاکستان فرصت لازم را برای ظهور و بروز بدهد، همچنان که در دوره اوباما چنین سیاستی را پیگیری کرد. اما تلاش آنها این است که در عین حال از یک سیاست نباید تخطی کنند و آن بحث منافع کلان آمریکاست. به نوعی بازیگران از یک کف توانایی خودشان برای بهره‌گیری از فضای منطقه‌ای تا سقف منافع کلان آمریکا فضای بازیگری دارند. فکر می‌کنم در این فضا کشورهایی موفق هستند که دارای دیپلماسی قوی‌تر، دیپلمات‌های تواناتر همچنین ارتباطات مناسبی در فضای دیپلماسی باشند. موضوع مهم و اساسی اقتصاد جهانی برای آمریکایی‌ها همچنان که در دوره اوباما مؤثر و مهم بوده، حالا در دوره بایدن به‌ویژه بعد از جریان جهانی کرونا، به‌طور حتم حائز اهمیت خواهد بود. دموکرات‌ها در دوره اوباما هم این تلاش را کردند که از طریق رسیدگی به مسائل مهم مثل بحث‌های مربوط به بهداشت و همچنین کمک‌های تأمین اجتماعی و هزینه‌های بهداشتی، فضای جوامع را به طرف خودشان بکشانند و مدیریت کنند. برای چنین کاری ایالات متحده نیازمند ارتباطات جهانی و بهره‌گیری از فرصت‌های ارتباطی است که به نظر می‌رسد در حوزه کلان مسائلی مانند نفت یکی از آن فرصت‌ها وجود دارد و دولت بایدن می‌تواند آن فضا را هم داشته باشد؛ چراکه اگر آنها نتوانند فضای بعد از دوران کرونا را مدیریت کنند به‌طور حتم از منافع اقتصادی‌اش استفاده نخواهند کرد. در مجموع نگاه جامعه جهانی به انتظار فضای معقولی همراه با حساب‌وکتاب اما در سایه فرهنگ خاص آمریکایی‌هاست. به نظر می‌رسد بایدن در این فضا باید با توجه به تجربه و داشتن دانش لازم، یک رفتار معقول و منطقی را ارائه دهد.